

امکان‌سنجی وضع اصطلاح امنیت اخلاقی در قاموس حقوقی

علی غلامی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۲

چکیده

اصطلاح «اخلاق حسنه» یک اصطلاح شناخته شده‌ی حقوقی است که عمده‌ی استعمال آن در حیطه‌ی حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی می‌باشد؛ مثلاً در ماده‌ی ۹۷۵ قانون مدنی یا ماده‌ی ۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ... در عین حال در تعریف این اصطلاح میان دانشمندان حقوقی از جمله حقوقدانان متمرکز بر مباحث حقوق مدنی، اتحاد و اتفاق نظر وجود ندارد و تعاریف متعددی از این عبارت به چشم می‌خورد که ناشی از اختلاف نظر این اندیشمندان در مورد رابطه‌ی این نهاد با نهاد نظم عمومی، ریشه‌های اخلاق حسنه و ... می‌باشد.

در مباحث حقوق جزا و قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران، اصطلاح «اخلاق حسنه» استعمال نشده و تنها در عنوان فصل هجدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، عبارت «جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی» بکار رفته است. سؤال این است که چرا علی‌رغم آنکه جرایم ارتكابی علیه حوزه‌های مختلف همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... در یک دسته‌بندی مشخص تحت عنوان جرایم علیه امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی و ... جای می‌گیرند، جرایم علیه اخلاق دارای چنین وضعیتی نیستند؟ آیا نمی‌شود اصطلاح «امنیت اخلاقی» را در عرض عناوین پیش‌گفته وضع و استعمال نمود؟

به نظر می‌رسد این امر ممکن و بلکه ضروری می‌باشد که اصطلاح «امنیت اخلاقی» تعریف و مصطلح گردد و این تعریف به عنوان تعریف پیشنهادی قابل ارائه می‌باشد: «احساس آرامش نسبت به هر گونه رفتار علیه ارزش‌های اخلاقی جامعه از قبیل عفت و شرافت».

واژگان کلیدی

اخلاق، اخلاق حسنه، امنیت، امنیت اخلاقی.

* دانشیار دانشکده‌ی معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام

مقدمه

در سیر تطور قوانین اعم از مدنی، جزایی، تجاری و...، دسته‌بندی تخلفات ناظر به هر حوزه، سبب تسهیل اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی به عامه‌ی مخاطبان و حسن استفاده و دسترسی قضات و وکلا به قوانین مربوط به هر موضوع می‌باشد. در قوانین و مقررات کیفری نیز اگر چه جرایم ناظر به حوزه‌هایی همچون اقتصاد، سیاست و ... در قوانین مختلف پراکنده هستند ولی در عین حال این جرایم تحت عناوین کلی همچون جرایم علیه امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی و... مصطلح شده‌اند، اما جرایم ناظر به حوزه‌ی اخلاق، علیرغم اهمیت فراوان این حوزه از یکسو و بکارگیری اصطلاح «امنیت اخلاقی» در سال ۱۳۸۶ از سوی مقام معظم رهبری، همچنان تحت این عنوان و اصطلاح به صورت فراگیر در نیامده است.

این امر در درجه‌ی اول ناشی از عدم تعریف دقیق اصطلاح امنیت اخلاقی ناظر به ادبیات حقوق کیفری است تا در ذیل آن، دایره‌ی شمول این اصطلاح و جرایم مشمول آن معلوم گردد و در ادامه، امید آن باشد که جرایم مشمول آن در یک فصل و بخش جزئی بصورت منقح گردآوری گردد تا از استعمال عباراتی همچون اخلاق حسنه که اصولاً یک عبارت مرتبط با مباحث مدنی و فاقد سابقه‌ی کاربرد در مباحث جزایی است، جلوگیری گردد.

بر همین اساس در این نوشتار پس از تعریف لغوی و اصطلاحی اخلاق و تبیین مفهوم اخلاق حسنه از منظر فقه و حقوق در قسمت اول، در قسمت دوم به تعریف و انواع امنیت و حوزه‌های بررسی آن شامل قرآن، روایات و حقوق پرداخته شده و در قسمت آخر امکان‌سنجی وضع اصطلاحی تحت عنوان «امنیت اخلاقی» مطرح گردیده و تعریف پیشنهادی ارائه شده است.

۱. تعریف اخلاق و اخلاق حسنه

قبل از ورود به بررسی رابطه‌ی حقوق و اخلاق و تعیین موارد تلاقی این دو، ضرورت دارد که تعریف اخلاق حسنه و قبل از آن تعریف اخلاق معلوم گردد. در این قسمت ابتدا به تعریف اخلاق در لغت و اصطلاح پرداخته شده و سپس اخلاق حسنه در حقوق و فقه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱. اخلاق^۱

واژه‌ی اخلاق را باید ابتدا از جهت لغوی تعریف نمود و سپس به تعریف اصطلاحی آن توجه کرد.

۱-۱-۱. تعریف لغوی

واژه‌ی اخلاق دارای ریشه‌ی عربی و جمع «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد؛ راغب اصفهانی می‌گوید: «خُلُق با خُلُق در اصل یکی هستند، مثل شَرِب و شَرِب و صَدَم و صُدَم، لکن خُلُق به کیفیات و شکل‌ها و صورت‌هایی که با چشم دیده و درک می‌شود، اختصاص دارد و خُلُق ویژه‌ی نیروها و سرشت‌هایی است که با بصیرت فهمیده می‌شود.» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۵۸) در معجم مقاییس اللغه آمده است که: «ماده‌ی «خا»، «لام» و «قاف» (خلق) به دو معنی اصلی آمده است، یکی «تقدیر الشیء» به معنی اندازه قرار دادن و دوم «ملاسه الشیء» به معنی نرم بودن اشیاء. سپس می‌گوید: «... از همین ماده است خُلُق، که همان سرشت است؛ چون صاحب سرشت بر این اندازه و خصوصیت قرار داده شده است.»^۲ در مصباح المنیر آمده است: «الخُلُق بضمّین السجیه» یعنی: «خلق با دو ضمه به معنی سرشت است.»

باید توجه داشت که معنای لغوی اخلاق، اختصاصی به صفات نیکو و پسندیده نداشته و شامل صفات زشت و ناپسند نیز می‌گردد.

۱-۱-۲. اصطلاح‌شناسی اخلاق

اخلاق به معنای اصطلاحی آن در میان علمای این حوزه معانی متعددی دارد که مختصراً به برخی اشاره می‌شود.

الف. صفات راسخ نفسانی

این معنا شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی است. (فلسفه‌ی اخلاق، ۱۳۷۷، ص ۱۶)

ابوعلی مسکویه (ره) در کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق می‌گوید: «الخلق حال للنفس داعیه لها الی افعالها من غیر فکر و لا رویه» یعنی: «خلق حالی است برای

جان انسانی که او را بدون فکر و تأمل به سوی کارهایی بر می‌انگیزاند.» (مدرسی، ۱۳۷۱، ص ۱۶)

مرحوم فیض (ره) می‌فرماید: «بدان که خوی عبارت است از هیأتی استوار در نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می‌شود، اگر این هیأت به گونه‌ای باشد که افعال زیبا و ستوده از نظر عقلی و شرعی از آن صادر شود، آن خوی نیکوست و اگر آنچه از آن صادر می‌شود افعال زشت باشد، خوی بد نامیده می‌شود.» (مدرسی، ۱۳۷۱، ص ۱۶)

علامه‌ی مجلسی (ره) در تعریف اخلاق می‌نویسد: «اخلاق ملکه‌ی نفسانی است که کار به آسانی از آن صادر می‌شود؛ برخی از این ملکات فطری و ذاتی‌اند و پاره‌ای از آنها نیز با تفکر و تلاش و تمرین و عادت دادن نفس به آنها به دست می‌آیند...» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴)

در این تعریف، صفات ناپایدار و غیرراسخ در نفس، مثل غضب شخص بردبار و یا صفاتی که از روی تأمل و تفکر صادر می‌شوند، مثل بخشش فرد بخیل، از دایره‌ی اخلاق و ارزش‌های اخلاقی بیرون است و از سوی دیگر هم شامل فضایل اخلاقی می‌شود، هم رذایل اخلاقی.

ب. صفات نفسانی

در این تعبیر، اخلاق شامل هرگونه صفت نفسانی است که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صفت نفسانی به صورت پایدار و راسخ باشد و چه به صورت ناپایدار و غیرراسخ و چه از روی تفکر و اندیشه حاصل شود و یا بدون تفکر و تأمل سرزند. بنابراین اگر شخص بخیلی که سرشت او بخل‌ورزی و عدم بخشش است، احیاناً بذل و بخشش کند، این کار او خلق بخشش به حساب آمده و از نظر اخلاقی دارای ارزش مثبت است و یا اگر کسی از روی فکر و تأمل دست به کاری بزند، آن کار نیز متصف به ارزش اخلاقی می‌شود.

ج. فضایل اخلاقی

گاهی واژه‌ی اخلاق فقط در مورد اخلاق نیک و فضایل اخلاقی بکار می‌رود؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود که فلان کار اخلاقی است یا فلان عمل غیراخلاقی است، منظور از اخلاق،

تنها اخلاق فضیلت است. البته آنچه در این تعریف اصطلاحی از اخلاق بسیار مهم است، پاسخ به این سؤال است که اصول فضایل اخلاقی کدامند و آیا می‌توان همه‌ی فضایل را به یک یا چند فضیلت برگرداند یا نه، که البته پاسخگویی به این سؤال از حوصله‌ی این مقال خارج است.

د. نهاد اخلاقی زندگی

واژه‌ی اخلاق خصوصاً نزد برخی فیلسوفان غربی (فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴) به یک معنای دیگر نیز بکار رفته است و آن وقتی است که از «نهاد اخلاقی زندگی» سخن به میان می‌آید. در این معنا، اخلاق در عرض مسائلی همچون هنر، علم، حقوق، دین قرار دارد و در عین حال متفاوت با آنها بکار برده می‌شود. بنابر این تعبیر، اخلاق نیز مانند زبان، دین و کشور، پیش از افراد بوده و فرد در آن داخل شده و کمابیش در آن سهیم می‌گردد و پس از افراد نیز خواهد بود؛ به عبارتی وجود آن به شخص وابسته نیست بلکه ابزاری در دست جامعه به عنوان یک کل است، برای ارشاد و راهنمایی افراد گروه‌های کوچکتر. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۶)

ه. نظام رفتاری حاکم بر افراد

عده‌ای اخلاق را به معنای نظام رفتاری یک گروه دانسته‌اند؛ مثل اخلاق مسیحی یعنی نظام رفتاری مورد قبول مسیحیان.

۱-۲. اخلاق حسنه

اخلاق حسنه را می‌توان از منظر حقوق و حقوق‌دانان از یکسو و از دریچه‌ی فقه از سوی دیگر مورد بررسی قرار داد.

۱-۲-۱. اخلاق حسنه از منظر حقوقی

در تعریف اخلاق حسنه آمده است که: «اخلاق حسنه در امتی معین یا گروهی معین، مجموعه‌ی قواعدی است که مردم مطابق اصول اخلاقی حاکم بر روابط اجتماعی، خود را ملزم به تبعیت از آن می‌دانند. این اصول تربیتی، زاینده‌ی معتقداتی است که از پیشینیان و عادات ریشه‌دار و عرف و آنچه مردم در برابر آن خاضعند، به نسل بعدی رسیده است.

اگر رابطه‌ی دین و جامعه نزدیک باشد و ارزش‌های اخلاقی جایگاهی رفیع داشته باشند، دین در این امر، تأثیری شگرف خواهد داشت؛ از این رو معتقدیم عوامل دخیل در تربیت مختلفند. عادات، عرف، دین، سنن و در کنار آنها مقیاس انسانیت، حسن و قبح را می‌سنجند و نوعی الهام بشری بین خیر و شر تمیز می‌دهد. تمامی این عوامل در کنار هم اصول اخلاقی‌ای را که مردم در مقابل آن سر فرود می‌آورند، می‌سازد.» (سنه‌وری، بی‌تا، ص ۲۶۳)

برخی از اخلاق‌پژوهان پوزیتیویست همچون دموگ^۳ فرانسوی معتقدند که اخلاق حسنه را عقاید عمومی معین می‌کند، نه آرمان‌های فلسفی یا اعتقاد مذهبی. آنچه عموم می‌پسندد، در شمار اخلاق حسنه است، هرچند که در واقع نیز ناشایسته باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۳) در تعریفی دیگر، اخلاق حسنه در هر قوم، ترکیبی از رسوم اجتماعی و تعلیمات مذهبی و داوری‌های عقلی است که وجدان عمومی را تشکیل می‌دهد. دادرسی آنچه را که این عوامل گوناگون در نهاد او بوجود آورده است، بررسی می‌کند و با رجوع به عرف پارسایان اجتماع خود، تشخیص می‌دهد که آیا قراردادی با اخلاق منافات دارد یا مؤید آن است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۱۸۴-۱۸۳)

در قوانین ایران عبارت اخلاق حسنه در قوانین مدنی و آیین دادرسی مدنی مورد اشاره قرار گرفته است. مثلاً ماده‌ی ۹۷۵ قانون مدنی می‌گوید: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه‌ی جریحه‌دار کردن احساسات جامعه و یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود، به موقع اجرا گذارد؛ اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.» در ماده‌ی ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) اشاره می‌نماید که عقود و قراردادهایی که بر خلاف اخلاق حسنه باشد، در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست. در ماده‌ی ۳۰ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ و اصلاحات بعدی آن، ثبت اسناد مخالف اخلاق حسنه را ممنوع اعلام می‌نماید و نمونه‌های دیگر.

در قانون مجازات اسلامی اگرچه فصل هجدهم کتاب پنجم به جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی اختصاص دارد، اما ذکری از عبارت اخلاق حسنه به چشم نمی‌خورد. علاوه بر ایران در قوانین کشورهای متعددی نمونه‌های جرم‌انگاری اعمالی برخلاف اخلاق حسنه قابل مشاهده می‌باشد. مثلاً ماده‌ی ۶ قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۷م،

قراردادهای خلاف اخلاق حسنه را مردود می‌شمرد؛ ماده‌ی ۱۴ قانون فدرال سوئیس مصوب ۱۸۷۴م، ثبت علامتی را که نشانه‌هایی به همراه دارد که به طور معمول مضر به اخلاق حسنه است، ممنوع اعلام می‌نماید.

یکی از دلایل تفاوت و اختلاف نظر در تعریف اخلاق حسنه در میان اندیشمندان این حوزه، بحث رابطه‌ی اخلاق حسنه با نظم عمومی می‌باشد. به عبارتی پس از آنکه ملاک فعل اخلاقی تبیین شد، حال نوبت به تنظیم رابطه‌ی اخلاق حسنه متخذ از ملاک فعل اخلاقی با نظم عمومی می‌رسد.

برخی اخلاق حسنه را یکی از منابع نظم عمومی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۴) که در این صورت ثبات یا نسبییت اخلاق حسنه و عوامل تعیین اصل و حدود و ثغور آن، اثر مستقیمی بر نظم عمومی خواهند داشت؛ اما اگر اخلاق حسنه در رابطه با نظم عمومی نه فقط به عنوان یک منبع صرف بلکه به عنوان یک منبع از یک سو و یکی از آثار نظم عمومی از سوی دیگر بررسی گردد، نتیجه‌ی متفاوتی از تعریف اخلاق حسنه حاصل خواهد شد.

۲-۱-۲. اخلاق حسنه از منظر فقهی

آنچه در فقه امامیه در ارتباط با بحث اخلاق حسنه قابل بحث است، عمدتاً اشاراتی است که در باب معاملات در معنای اعم آن به رعایت اخلاق حسنه و در عین حال بطلان معاملات خلاف اخلاق حسنه شده است؛ مثلاً فروش خانه جهت دایرکردن مرکز فحشاء یا قمارخانه در صورت تصریح به آن در معامله و ... که در بخشی از مکاسب محرمه و فتاوی‌ای فقهاء در سایر بحث‌ها قابل رؤیت است.

از سوی دیگر دلالت آیه‌ی شریفه‌ی «لاتأكلوا أموالكم بینكم بالباطل»^۴، قاعده‌ی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» و قاعده‌ی «علی الید ما أخذت حتی تؤدیة»^۵ و امثال اینها در این بحث قابل توجه و تأمل است. البته باید توجه نمود که صرف غیراخلاقی بودن یک فعل مثل قرارداد، موجب بطلان آن نمی‌شود و مثلاً قراردادی که جهت آن مکروه - و نه حرام- باشد، نفوذ حقوقی دارد، لذا بررسی مصادیق قراردادهای مخالف اخلاق حسنه نشان‌دهنده‌ی آن است که عمدتاً اینگونه قراردادها مشمول حکم حرمت هستند.

(حائری، ۱۳۷۰، صص ۱۴۱-۱۴۰)

البته در کنار بحث اخلاق حسنه اصطلاحی تحت عنوان «حسن نیت» به چشم می‌خورد که غالب حقوقدانان علیرغم اشاره به آن، تعریف مشخصی از این اصطلاح ارائه ننموده‌اند. بر اساس تعاریف متخذ از منابع غربی می‌توان گفت حسن نیت بخشی از اخلاق حسنه در معنای عام آن است، ولی اگر قرار باشد به عنوان یک مفهوم مستقل مورد بررسی قرار گیرد، عبارت خواهد بود از حمایت از شخص ناآگاه در جریان عقد در مقابل سایر افراد دخیل در آن عقد. (صفایی و همکاران، ۱۳۸۴، صص ۴۷-۴۵)

آنچه به عنوان جمع‌بندی این قسمت باید بدان اشاره کرد، مفهوم مختار از اخلاق حسنه است. اخلاق حسنه همانطور که برخی تعاریف آن در این نوشتار مورد اشاره قرار گرفت و در سایر تعاریف نیز قابل مشاهده است، اخلاقی است عمدتاً اجتماعی و ناظر بر ارزش‌های مورد قبول جامعه که طبیعتاً تابع قراردادهای اجتماعی است. مثلاً عباراتی همچون: «... این اصول زاییده معتقداتی که از پیشینیان و عادات ریشه‌دار و عرف و آنچه مردم در برابر آن خاضعند، به نسل بعدی رسیده است...» (سنهوری، بی‌تا، ص ۲۶۳) یا «... در هر قوم ترکیبی از رسوم اجتماعی و تعلیم‌های مذهبی و داوری‌های عقلی است که وجدان عمومی را تشکیل می‌دهد». (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۳) به همین دلیل هنگامی که بحث از مبنا و ملاک تشخیص اخلاق حسنه به میان می‌آید، نظراتی از قبیل اینکه منبع آن فقط قانون است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۲)، ملاک آن پسند عموم است و لو اینکه در واقع ناشایست باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۲) خودنمایی می‌کند.

از سوی دیگر در تبیین رابطه‌ی اخلاق حسنه و نظم عمومی به عنوان دو عامل اثرگذار در حوزه‌ی مصالح عمومی مشاهده می‌شود که این دو مفهوم، یا دو مفهوم مجزا و فاقد ارتباط هستند که حداکثر هر دو دارای یک هدف مشترک هستند و آن هم برآورده شدن مصالح اجتماعی است یا اینکه اخلاق حسنه یکی از منابع نظم عمومی است که در این فرض نیز اخلاق حسنه مفهومی نسبی و متغیر است که با تغییرات نیازها و احساسات جامعه دچار تغییر می‌گردد و در نتیجه‌ی این تغییر، نظم عمومی بطور طبیعی دچار تحول خواهد شد.

با توجه به تعریف و ملاک تشخیص اخلاق حسنه باید گفت آنچه از اخلاق حسنه در این نوشتار مدنظر می‌باشد، مفهوم پیش‌گفته از اخلاق حسنه نیست، بلکه منظور از

اخلاق عبارت است از ملکاتی که انسان باید خود را بر اساس آنها بسازد. (گروه معارف دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴، ص ۲۴۳)

باید توجه نمود که انسان برخلاف سایر حیوانات، غرایز طبیعی‌اش کم است و باید مجموع فطریات خویش را در کنار غرایز اندک‌ش پرورش دهد و به دور از افراط و تفریط به اخلاق برسد. به عبارتی ریشه‌ی اخلاق در این نظریه به عدل و توازن برمی‌گردد و اخلاق حالت موازنه بین مجموع استعدادهای انسانی اعم از غرایز و فطریات می‌باشد، تا انسان به غایت خویش برسد. پس آنچه از اخلاق مدنظر می‌باشد از قوه به فعل رساندن استعدادهای انسانی به صورت متعادل و متوازن است که با توجه به اقلیت فطریات و اصالت آنها در حرکت به سمت غایت، نگارنده نظریه‌ی مختار خویش در تعریف اخلاق را همان اخلاق مبتنی بر فطرت می‌نامد و منظور از اصطلاح اخلاق حسنه نیز همین معنا و مفهوم می‌باشد.

۲. امنیت و اخلاق

رابطه‌ی امنیت و اخلاق را می‌توان جزء مباحثی دانست که علیرغم اهمیت آن، به صورت مستقل و تحت عنوان «امنیت اخلاقی» کمتر مورد توجه بوده و این عبارت در عرض عبارات دیگری از این سنخ همچون امنیت ملی، سیاسی، اقتصادی و ... مورد تدقیق و بررسی قرار نگرفته است و به خاطر عدم استعمال این عبارت به نوعی می‌توان گفت عبارتی جدید و بکر است که ضرورت تعریف و استفاده از آن با توجه به وقوع برخی جرایم و تعرض به حوزه‌ی اخلاق روز به روز جدی‌تر می‌گردد.

در این قسمت ابتدا به تعریف امنیت از جهت لغوی و اصطلاحی پرداخته شده و پس از بیان انواع امنیت، بحث در فقه، حقوق و سایر علوم مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۱. تعریف امنیت

قبل از تبیین رابطه‌ی دو واژه‌ی امنیت و اخلاق ضرورت دارد همانطور که در قسمت قبل به تعریف اخلاق پرداخته شد، در اینجا نیز ابتدا تعریف امنیت از جهت لغوی و اصطلاحی مدنظر قرار گیرد تا معنای دقیق این واژه آشکار گردد.

۱-۱-۲. تعریف لغوی

در زبان عربی مصدر جعلی امنیت مانند زبان فارسی مستعمل نیست و فقط واژه‌ی «الامن» کاربرد دارد و در اغلب کتب لغت عربی مانند لسان العرب، مجمع البحرین، ضوء الشهاب و مفردات راغب اصفهانی معنای «عدم الخوف» یا «ضد الخوف» برای آن در نظر گرفته شده و لذا همان معنای رایج در زبان فارسی را که بدان اشاره خواهد شد، حائز است. راغب اصفهانی (ره) واژه‌ی «الامن» را اینگونه معنا می‌کند: «اصل در امنیت، اطمینان روحی و فقدان ترس است» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۱) و در ذیل واژه‌ی خوف می‌نویسد: «خوف توقع یک امر مذموم است بر اساس یک قرینه‌ی ظنی یا قطعی و ... و خوف ضد امنیت است.» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۱۶۱)

در زبان عربی معنای واژه‌ی «الامن» به واژه‌ی «سلام» نزدیک است، لذا علامه‌ی طباطبایی (ره) در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ۲۵ سوره‌ی مبارکه‌ی یونس می‌فرماید: «اصل در معنای سلام، بر حسب آنچه راغب ذکر کرده است؛ رهایی از آفت‌های ظاهری و باطنی در جمیع شقوق آن است. ... ظاهر آن است که امنیت و سلام به جهت معنی نزدیک به هم و مترادف هستند.» (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۳۶)

در زبان فارسی واژه‌ی امنیت متخذ از واژه‌های امن، استیمان، ایمان و ایمنی است که به مفهوم بی‌بیم بودن، ایمن شدن، بی‌بیمی، بی‌ترسی، اطمینان، آرامش قلب، مقابل خوف، راحت و آسایش است. (معین، ۱۳۷۹، ص ۳۵۴)

۱-۲-۲. تعریف اصطلاحی

در تعریف اصطلاحی امنیت، علیرغم بدیهی بودن مفهوم آن، اختلاف وجود دارد و حتی «باری بوزان»^۹ معتقد است که باید امنیت را یک مفهوم توسعه‌نیافته نامید که با تعریف ساده در ضدیت است. البته در این پیچیدگی و ابهام، تمایل صاحبان قدرت به مبهم و قابل تفسیر ماندن این مقوله جهت توجیه اعمال خلاف قاعده‌شان نیز نقش دارد. (اسماعیلی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۳)

در فرهنگ علوم رفتاری امنیت به دو معنا آمده است؛ اول: حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌پذیرد، دوم: احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرش که نهایتاً از سوی طبقات اجتماعی نسبت به فرد اعمال می‌شود. (شعاری نژاد، ۱۳۷۵، ص ۴۱۷)

هابز^{۱۱} معتقد است «صلح و امنیت برای رهایی مردم از ترس دائمی از مرگ و ابتلائات فیزیکی و جسمی است.» (محمودی جانکی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲) جان لاک^{۱۱} می‌نویسد: «مقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که زنده باشیم بلکه منظور واجد بودن رفاه و آسایش و ایجاد تسهیلات می‌باشد که حق طبیعی ماست و وظیفه‌ی مؤسسات دولتی است که آنها را تحصیل و نگهداری کنند.» (محمودی جانکی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲) و منتسکیو^{۱۲} عقیده دارد: «چون امنیت نتیجه‌ی صلح و صلح اولین قانون طبیعت است، لذا بزرگترین اصول در حکومت، ایجاد امنیت است و مقصود از امنیت تنها حفظ حیات نیست، بلکه تأمین آزادی است.» (محمودی جانکی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲)

در تعاریف دیگر مشاهده می‌شود که امنیت این‌گونه تعریف می‌گردد: «مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد به معنی آن است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید.» (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۴۸)

در مجموع به نظر می‌رسد تعریف اصطلاحی امنیت را می‌توان آمیزه‌ای از وضعیت فیزیکی و حالت فکری دانست؛ مثلاً آرنولد و لفرز^{۱۳} معتقد است: «امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید ارزش‌های کسب‌شده را مشخص کرده و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را معین می‌کند.» (اسماعیلی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۳) جوزف بالاز^{۱۴} معتقد است: «امنیت بین‌المللی توسط امنیت داخلی و خارجی نظام‌های مختلف اجتماعی تأمین می‌شود و به طور کلی دامنه‌ی آن به شرایط خارجی بستگی دارد.» (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳۱)

والتر لیپمن^{۱۵} معتقد است: «هر ملتی تا جایی دارای امنیت است که در صورت عدم توسل به جنگ، مجبور به رها نمودن ارزش‌های محوری نباشد و چنانچه در معرض چالش قرار گیرد، بتواند با پیروزی در جنگ آنها را حفظ کند.» (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳۱) جان.ئی. مور^{۱۶} می‌گوید: «امنیت یعنی رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش» (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳۲) و تعاریف متعدد و متنوع دیگر که از مجموع آنها می‌توان دریافت که یکی از عناصر مهم در بحث امنیت همان رهایی از تهدید است؛ یعنی امنیت در مفهوم ساده‌ی آن به نحوی رهایی از تهدید را به دنبال دارد.

۲-۲. انواع امنیت

اندیشمندان کلاسیک امنیت را به دو بخش امنیت ملی و داخلی تقسیم می‌نمایند، ولی به نظر می‌رسد با توجه به تغییر و تحولات حوزه‌های امنیتی در سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی و حتی درون ملی و الزامات اینگونه تحولات، باید امنیت را به سه بخش ملی، داخلی و عمومی تقسیم کرد، هرچند این تقسیم‌بندی به معنای استقلال یا عدم وابستگی این سه حوزه به یکدیگر نمی‌باشد و در میان آنها وجوه اشتراک و همپوشانی وجود دارد.

۲-۲-۱. حوزه‌ی امنیت ملی

امنیت ملی از یکسو به شرایط تأمین و حفظ موجودیت نظام در درون و بیرون مرزها و از سوی دیگر به توانایی‌های نظام در محیط درونی و پیرامونی مربوط می‌شود. در این حوزه، وجوه امنیت، دفاعی - نظامی است و منشأ بروز تهدید، عوامل داخلی و خارجی می‌باشند. هدف در این حوزه مصونیت منافع ملی و واحد ملی است و وظیفه‌ی کلی حفاظت از این حوزه، با نیروهای مسلح می‌باشد.

در گذشته در تعریف امنیت ملی محور اصلی بحث، تهدید نظامی و قدرت ارتش‌ها در مقابل آن بود، ولی در دهه‌های اخیر ابعاد مربوط به توانمندی‌های اقتصادی، تکنولوژیک، فرهنگی، میزان مشارکت مردم در ساختار سیاسی، استحکام نظام حکومتی و میزان تقابل یا تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی با سایر کشورها در تعریف امنیت ملی گنجانده شده‌اند.

بدین ترتیب می‌توان امنیت ملی را چنین تعریف نمود: دستیابی یک ملت به توانمندی و امکانات و ابزارهای که بتواند با تمسک به آنها از تهدیدهای خارجی و داخلی در امان باشد؛ سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بیگانه را دفع کند؛ از ارزش‌های حیاتی خود در صلح و جنگ، دفاع و حراست نماید؛ از موجودیت کشور و تمامیت ارضی آن محافظت کند؛ سیر صعودی در افزایش قدرت و توان ملی در عرصه‌های مختلف داشته باشد و در راه پیشبرد امر توسعه‌ی متوازن و پویا و تحکیم وحدت ملی و ارتقای سطح مشارکت سیاسی جامعه موفق باشد.

۲-۲-۲. حوزه‌ی امنیت عمومی

امنیت عمومی ناظر به تولید و حفظ شرایطی است که در آن منافع، مصالح و حقوق افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین می‌گردد. در این حوزه، وجوه امنیت، سیاسی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی و اجتماعی (فردی- جمعی) است. منشأ بروز تهدید در این حوزه، درون واحد ملی است و هدف در این حوزه، پایایی و پویایی حوزه‌ی اجتماعی است و نیروی انتظامی را می‌توان عهده‌دار حفظ و حراست آن دانست. همانطور که مشاهده می‌شود عمده‌ی حوزه‌های امنیت و مهمترین آنها از جهت ارتباط با بحث این نوشتار، در این حوزه متمرکز هستند.

۲-۲-۳. حوزه‌ی امنیت داخلی

امنیت داخلی در عرصه‌ی سیاسی قابل طرح بوده و ناظر بر فراهم‌سازی بستر مناسب برای حفظ امنیت حاکمیت می‌باشد. در این حوزه، وجوه امنیت، سیاسی، قضایی، فرهنگی و اجتماعی است و منشأ بروز تهدید در آن، درون واحد ملی است. هدف در این حوزه مصونیت حاکمیت می‌باشد و نهادهای اطلاعاتی مسئولیت حفاظت از این حوزه را برعهده دارند.

البته در تقسیم امنیت به حوزه‌های مختلف، نظرات گوناگونی وجود دارد که با توجه به مبنای تفاوت‌ها در تقسیمات امنیت، حوزه‌های مختلف امنیت نیز به صورت‌های گوناگون تعریف شده‌اند که پرداختن به تعاریف مختلف و بیان تفاوت‌های آنان و نقدشان از حوصله‌ی این نوشتار خارج است و فقط منظور از بیان انواع امنیت که در ذیل هر یک، صور جزئی‌تری از امنیت قرار می‌گیرند، بیان صور احصا شده‌ی آن در حال حاضر بود تا در قسمت بعدی این نوشتار که امنیت اخلاقی تبیین می‌گردد، رابطه‌ی آن با این حوزه‌ها، جایگاه امنیت اخلاقی را در میان انواع حوزه‌های امنیت آشکار سازد.

۲-۳. حوزه‌های بررسی

با توجه به اینکه نوشتار حاضر، پژوهشی فقهی - حقوقی است، قبل از امکان‌سنجی وضع اصطلاح امنیت اخلاقی ضرورت دارد بحث امنیت در منابع دینی - قرآن و روایات - و حقوق مورد عنایت قرار گیرد.

۱-۳-۲. منابع دینی

در این قسمت ابتدا به جایگاه امنیت از منظر قرآن کریم و سپس روایات معصومین^(ع) پرداخته می‌شود.

الف. قرآن کریم

در آیات شریفه‌ی قرآن کریم بحث ایمنی و امنیت در مقایسه با مجموع آیات آن، کاربرد زیادی دارد و در حدود ۸۵۳ آیه‌ی آن (۱۲/۶٪ کل آیات) ماده «الامن» یا مشتقات آن بکار رفته است که حاکی از اهمیت موضوع می‌باشد. از این ۸۵۳ آیه نیز ۸۱۱ مورد آن (۹۵/۰۷٪) مستقیماً به معنای ایمنی و امنیت روحی و معنوی می‌باشد که این مطلب نیز حکایت از جایگاه رفیع این موضوع از منظر قرآن کریم دارد.

کاربردهای امنیت در قرآن کریم از جهت موضوع و آیات را علاوه بر موضوع امنیت روحی و معنوی که ۸۱۱ آیه را به خود اختصاص داده، می‌توان به این شرح تبیین نمود: امنیت عمومی سرزمین ۶ آیه، ایمنی از ترس و وحشت ۲ آیه، امنیت افراد در جامعه ۳ آیه، امنیت جانی ۳ آیه، امنیت مالی ۲ آیه، ایمنی از سوانح و بلا یا ۹ آیه، امنیت بین‌المللی ۱ آیه، امنیت برای مناسک و عبادات ۲ آیه، امنیت معابد ۴ آیه، ایمنی اخروی ۵ آیه و امنیت به عنوان پیش شرط توسعه‌ی جامعه ۵ آیه.

البته اینها آیاتی است که بحث امنیت و ایمنی را صریحاً و با مشتقات مختلف واژه‌ی «الامن» مورد اشاره قرار داده‌اند، اما در عین حال آیاتی نیز وجود دارد که محتویات و اوامر مندرج در آن دارای آثار امنیتی خصوصاً در حوزه‌ی مورد نظر است که از اشاره بدان صرف نظر می‌شود.

ب. روایات معصومین^(ع)

جایگاه امنیت و اهمیت آن در روایات متعددی از معصومین^(ع) مورد اشاره و تصریح قرار گرفته است که هم‌عرض قرار گرفتن آن با سلامتی و صحت در بیان اهمیت آن کافی است ولی برای نمونه به چند روایت اشاره می‌شود.

از امیرالمؤمنین علی^{علیه‌السلام} نقل شده که فرمودند: «گفتم ای رسول خدا! چه چیزی برای شیعیانمان در دنیا ضروری است؟ فرمودند: امنیت و سلامت ...»^{۱۷} (مجلسی،

رسول اکرم (ص) فرمودند: «دو نعمت هستند که مورد کفران و ناشکری قرار می‌گیرند، یکی امنیت و دیگری سلامتی.»^{۱۸} (صدوق، ۱۳۸۵ ه.ق، ص ۸۰)

از امام باقر و امام صادق علیه‌السلام نقل است که فرمودند: «حسنات و خیرها در قرآن به دو صورت است و سیئات و شرور هم بر دو وجه. از جمله حسناتی که خداوند آن را ذکر کرده است و آنها را حسنه نامیده است، صحت و سلامتی، امنیت و وسعت رزق است.»^{۱۹} (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۵، ص ۲۰۱)

۲-۳-۲. جایگاه امنیت در قلمرو حقوق

جایگاه امنیت در حقوق را می‌توان از منظر وظیفه‌ی قانون در تأمین و حفظ امنیت در حوزه‌های مختلف آن بررسی نمود. این بررسی از ام‌القوانین که همان قانون اساسی باشد، آغاز می‌شود که در آن وظیفه‌ی تأمین و حفظ امنیت بر عهده‌ی حوزه‌ها، افراد و نهادهای گوناگون گذاشته می‌شود که در میان آنها قانون و به تبع آن حقوق حائز نقش اصلی در تبیین چارچوب‌ها و حدود و ثغور و چگونگی حمایت و تضمین امنیت می‌گردد.

با نگاهی گذرا به قانون مجازات اسلامی می‌توان نقش قانون را در ارتباط با حوزه‌های امنیت مشاهده و تبیین کرد، مثلاً حمایت از امنیت جسمی و جانی افراد در قالب کتاب‌های سوم و چهارم در باب قصاص، اعم از نفس و عضو و دیات نفس اعضاء و فصل هفدهم کتاب پنجم؛ حمایت از امنیت داخلی و خارجی کشور در قالب ابواب هفتم، هشتم و نهم کتاب دوم تحت عنوان حدود محاربه، افساد فی الارض و بغی و فصل اول کتاب پنجم؛ حمایت از امنیت اخلاقی - به معنایی که خواهد آمد - در کتاب دوم در باب حدود در قالب بیان حدود زنا، لواط، مساحقه، قوادی، قذف و همچنین فصول پانزدهم و هجدهم کتاب پنجم؛ حمایت از امنیت اقتصادی در قالب باب هفتم کتاب دوم در قالب حد سرقت و فصول یازدهم و بیست و یکم کتاب پنجم.

البته قوانین متفرقه‌ی دیگری همچون قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و موارد متعدد دیگر همگی حاکی از اهتمام قانون و به تبع آن حقوق به بحث امنیت در حوزه‌های مختلف آن می‌باشد.

۳. امکان سنجی وضع اصطلاح

اصطلاح امنیت اخلاقی را نمی‌توان از جهت استعمال و رواج هم‌عرض انواع دیگر امنیت که از آنها نام برده شد، قرار داد و اگر هم در مواردی این اصطلاح بکار رفته به عنوان عبارتی با معنای خاص مدنظر گوینده یا نویسنده آن بوده است و اگر قرار باشد که به صورت اصطلاحی رایج و مستعمل درآید، باید ابتدا تعریفی دقیق و جامع از آن ارائه نمود.

استفاده‌ی رسمی از اصطلاح امنیت اخلاقی را می‌توان به ماه‌های نخست سال ۱۳۸۶ برگرداند که مقام معظم رهبری در دیدار مورخ ۱۳۸۶/۴/۷ با مسئولان قوه‌ی قضاییه بر تأمین امنیت اخلاقی در کنار امنیت حیثیتی و فرهنگی تأکید کردند^{۲۰} و در همان ایام، نیروی انتظامی در قالب طرح ارتقای امنیت اجتماعی به مبارزه با برخی مظاهر بی‌بندوباری، بدحجابی، اراذل و اوباش و ... پرداخت که بحث امنیت اخلاقی را در میان مردم و محافل دانشگاهی مطرح ساخت و مجلس شورای اسلامی نیز در همین راستا اقدام به اصلاح «قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند»^{۲۱} نمود.

اما منظور از امنیت اخلاقی چیست؟ به نظر می‌رسد با لحاظ دو نکته‌ی اساسی بتوان معنای دقیق این اصطلاح را بهتر دریافت. نکته‌ی نخست آنکه از مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض هم در معنای ذهنی و هم معنای عینی به صورت پیش‌گفته، مدنظر است و نکته‌ی دوم این است که واژه‌ی اخلاق به عنوان مضاف‌الیه واژه‌ی امنیت، از نظر معنا با آنچه در تعریف لغوی و اصطلاحی اخلاقی بیان می‌شود، متفاوت است.

در کنار اصطلاح امنیت اخلاقی سخن از امنیت حیثیتی، فرهنگی، عرضی و ... به میان می‌آید، در حالی که همه‌ی این انواع امنیت ماهیتاً می‌توانند مشمول عنوان امنیت اخلاقی باشند؛ پس این اخلاق باید معطوف به معنای خاصی باشد که بخشی از مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی به معنای عام را در بر می‌گیرد و لذا نزدیک به همان چیزی است که شهید مطهری^(ره) در قالب امنیت ناموسی از آن یاد می‌کند.

ایشان در کتاب مسأله‌ی حجاب می‌نویسد: «این ادعا که در عصر ما امنیت ناموسی برقرار است و صاحبان نوامیس باید از این نظر خاطرشان جمع باشد، یاوه‌ای بیش نیست. ثانیاً فرض کنیم امنیت ناموسی کامل در جهان برقرار شده و تجاوز به عنف دیگر وجود

ندارد و هر تجاوزی که به نوامیس مردم می‌شود از روی رضای طرفین است، ریشه‌ی نظر اسلام درباره‌ی پوشش چیست؟ آیا نظر اسلام به عدم امنیت بوده تا گفته شود اکنون که امنیت کامل برقرار شده، دلیلی برای پوشش نیست؟ مسلماً علت دستور پوشش اسلام عدم امنیت نبوده است.» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۴۵)

علاوه بر این در برخی کتب حقوقی نیز به جرایم جنسی، جرم علیه اخلاق اطلاق می‌شود، هرچند در برخی دیگر، زنا به عنوان جرم علیه اشخاص یاد شده است (قیاسی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۷) و البته می‌توان این نوع از نامگذاری را از باب تسمیه‌ی شیء به اسم جزء آن دانست که دلیلش اهمیت خاص آن جزء است.

با نظر به مطالب پیش‌گفته به نظر می‌رسد بتوان «امنیت اخلاقی» را به این صورت تعریف نمود: «احساس آرامش نسبت به هرگونه رفتار علیه ارزش‌های اخلاقی جامعه از قبیل عفت و شرافت.» در اینجا منظور از رفتار هرگونه تهدید واقعی یا احتمالی و تعرض قولی یا فعلی است. البته طبیعتاً ملاک تعیین این مؤلفه‌ها در هر جامعه‌ای، ارزش‌های حاکم بر همان جامعه می‌باشد و در جامعه‌ی ایران که یک جامعه‌ی اسلامی است، حد و مرز تعیین این مقوله‌ها متخذ از آموزه‌های دینی می‌باشد.

در همین راستا یکی از نویسندگان با اشاره به این مقوله، آن را به این صورت تعریف می‌نماید: «قواعدی است که در طول ادواری از زندگی یک جامعه به سائقه‌ی فطرت و اندیشه‌های گوناگون آن جامعه بوجود آمده و افراد آنها را محترم شمرده و بیش و کم به معرض اجرا در می‌آورند و تخلف از آنها وجدان اکثریت جامعه را متألم و ناراحت می‌کند. مبنای آنها ترویج خوبی‌ها و کاهش بدی‌هاست و ممکن است قوانین موضوعه، اصول آنها را مورد احترام قرار دهد، بدون آنکه وارد جزئیات آنها شود...» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۲۰)

امنیت اخلاقی با تعریف فوق یکی از بخش‌ها و ارکان اساسی امنیت اجتماعی است، اما شاید وجه بارز آن نقش اساسی مشارکت مدنی در تحقق آن باشد که آن را از سایر مقوله‌های امنیت، همچون امنیت سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... و حتی سایر بخش‌های امنیت اجتماعی، ممتاز می‌سازد.

اهمیت این بخش از امنیت را در آیه‌های متعددی از قرآن کریم می‌توان به وضوح مشاهده نمود، مثل سفارش به اجرای احکام و حدود الهی برای جلوگیری از شیوع فساد در جامعه^{۲۲}، اعلام دوری از پلیدی‌های جنسی به عنوان شرط پیوند معنوی و بیعت زنان

با پیامبر اسلام (ص) ^{۲۳}، تحریم تهمت و شایعه‌سازی جنسی ^{۲۴}، ارزش دانستن بکارت دوشیزگان و محدود شدن روابط جنسی به شوهر ^{۲۵}، سفارش ازدواج با کسانی که قبل از ازدواج روابط نامشروع نداشته‌اند ^{۲۶}، مبارزه با همجنس‌گرایی ^{۲۷}، سفارش به ضرورت اذن فرزندان برای ورود به خلوتگاه والدین ^{۲۸}.

جمع بندی

جرایم علیه حوزه‌ی اخلاق را از جهت متعلق آن که مباحث مدنی یا جزایی باشد، می‌توان به دو عنوان مجزا معنون نمود: جرایم علیه اخلاق حسنه در مورد جرایم غیراخلاقی در مباحث حقوق مدنی و جرایم علیه امنیت اخلاقی در مورد جرایم غیراخلاقی در مباحث حقوق کیفری.

البته جرایم علیه امنیت اخلاقی برخلاف جرایم علیه امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی و نمونه‌های مشابه، یک عنوان و عبارت مصطلح و رایج نیست و علیرغم آنکه مقام معظم رهبری در تیرماه ۱۳۸۶ این اصطلاح را در جمع مسئولان قوه‌ی قضاییه بکار بردند، بخاطر عدم تعریف دقیق این اصطلاح و تعیین حدود و ثغور آن از سوی حقوقدانان، همچنان جایگاه شایسته‌ای در ادبیات حقوق کیفری پیدا نکرده است.

در حال حاضر در قوانین کیفری و در رأس آنها قانون مجازات اسلامی، تنها در فصل هجدهم کتاب پنجم، عبارت جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی به عنوان تیتراژ، قابل مشاهده است که بنظر می‌رسد تعریف و تبیین اصطلاح امنیت اخلاقی در قدم اول و سپس جمع‌آوری و تنقیح جرایم علیه حوزه‌ی اخلاق در مباحث کیفری تحت این اصطلاح و در یک دسته‌بندی علمی، هم آگاهی‌دهی و آگاهی‌یابی نسبت به این جرایم برای عامه‌ی مردم و هم دسترسی و استفاده از آن برای قضات و وکلای را در پی داشته باشد.

بر همین اساس تعریف اصطلاح امنیت اخلاقی به صورت ذیل پیشنهاد می‌گردد: «احساس آرامش نسبت به هرگونه رفتار علیه ارزش‌های اخلاقی جامعه از قبیل عفت و شرافت.»

یادداشت‌ها

1- Ethics

۲- «و من ذلك الخُلُق و هی السجیه، لان صاحبه قد قدر علیه.»

3- Demog

۴- سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۲۹

۵- عنوان این قاعده از روایت نبوی «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» گرفته شده است. منظور از این قاعده آن است که هر کس بر مال دیگری دست یابد، بدون آن که از طرف قانونگذار یا مالک مأذون باشد، موظف است به ردّ عین آن مال به صاحب آن یا قائم مقام او و در صورتی که عین مال موجود نباشد یا دسترسی بدان نداشته باشد، مکلف به دادن مثل آن است و اگر مال مثلی نباشد، ملزم به پرداخت قیمت آن است. این قاعده را قاعده‌ی «ضمان ید» یا «علی الید» گفته‌اند. برای مطالعه‌ی بیشتر، ر.ک: محمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲

۶- «اصل الامن طمأنینه النفس و زوال الخوف»

۷- «الخوف توقع مکروه عن اماره مظنونه او معلومه و ... و یضاد الخوف الامن»

۸- «الاصل فی معنی السلام علی ما ذکره الراغب فی المفردات هو التعدی عن الآفات الظاهره و الباطنه و الیه یرجع معناه فی جمیع مشتقاته ... و الظاهر ان السلام و الامن متقاربان معنی»

۹- Barry Buzan

۱۰- Thomas Hobbes

۱۱- John Locke

۱۲- Montesquieu

۱۳- Arnold Wolfers

۱۴- Joseph Balazs

۱۵- Walter Lippmann

16- John E. Moore

۱۷- عن علی (ع) قال: «... قلت یا رسول الله! فما لشیعتنا فی الدنیا؟ قال: الامن و العافیه...»

۱۸- قال رسول الله(ص): «نعمان مکفورتان، الامن و العافیه»

۱۹- عن الصادقین (ع) انهما قالوا: «الحسنات فی کتاب الله علی وجهین و السینات علی وجهین، فمن الحسنات التي ذکرها الله الصحه و السلامه و الامن و السعه فی الرزق و قد سماها الله حسنات.»

۲۰- برای مطالعه‌ی متن سخنرانی، ر.ک:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3388>

۲۱- این قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ بود که در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۲ و ۱۳۸۶/۱۰/۱۹ دچار اصلاحاتی شد و نهایتاً در ۱۳ ماده به تصویب رسید.

۲۲- سوره‌ی نساء، آیات ۱۵ تا ۱۹.

۲۳- سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱۲.

۲۴- سوره‌ی نور، آیات ۴ تا ۲۵.

۲۵- سوره‌ی واقعه، آیات ۳۵ تا ۳۷.

۲۶- سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۲۵.

۲۷- سوره‌ی نساء، آیات ۷۷ تا ۸۱.

۲۸- سوره‌ی نور، آیات ۵۸ و ۵۹.

فهرست منابع

قرآن کریم

اسماعیلی، محسن (۱۳۷۹)، «امنیت و شریعت»، فصلنامه‌ی کتاب نقد، شماره‌ی ۱۴ و ۱۵ بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، چاپ اول

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ ششم

حائری، مسعود (۱۳۷۰)، مبانی فقهی تحلیلی از ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (بی‌تا)، مفردات الفاظ القرآن (المفردات فی غریب القرآن)، بیروت: دارالکتب العربی

گروه معارف دانشگاه امام صادق(ع) (خلاصه‌ی آثار استاد شهید مرتضی مطهری(ره))، (۱۳۸۴)، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)

سنهوری، عبدالرزاق احمد (بی‌تا)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید(نظریه الالتزام موجه عام)، بیروت: دار احیاء التراث العربی

شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیرکبیر

صدوق، محمد بن بابویه (۱۳۸۵.ه.ق)، خصال، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ج ۲

صفایی، سیدحسین، مرتضی عادل، محمود کاظمی و اکبر میرزا نژاد، (۱۳۸۴)، حقوق بیع بین‌المللی: بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ و مقایسه‌ی آن با بیع در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران طباطبائی، السید محمدحسین (۱۳۷۲ه.ش)، المیزان فی تفسیرالقرآن، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۰

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۱ فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۷۶)، فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه‌ی هادی صادقی، قم: انتشارات طه فلسفه‌ی اخلاق (سلسله دروس اندیشه‌های بنیادین اسلامی (۴))، (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) قیاسی، جلال الدین (۱۳۸۰)، مطالعه‌ی تطبیقی حقوق جزای اسلام و حقوق موضوعه، انتشارات پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، تهران: شرکت انتشار، ج ۱ مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ه.ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۵، ۶ محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، قواعد فقه، تهران: نشر یلدا محمودی جانکی، فیروز (۱۳۷۶)، «امنیت و ناامنی از دیدگاه سیاست جنایی»، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوقی، شماره‌ی ۸

مدرسی، سید محمدرضا (۱۳۷۱)، فلسفه‌ی اخلاق، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، فلسفه‌ی اخلاق، تهران: نشر بین‌الملل، چاپ دوم مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مسأله‌ی حجاب، قم: انتشارات صدرا معین، محمد (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی